

بررسی نظام نرخ ارز در اقتصاد متکی به نفت

مورد جمهوری اسلامی ایران

نویسنده: Oya Celasun (IMF Working Paper)

مترجم: امیر غلامی

چکیده

این مقاله، با ارایه خلاصه‌ای از سیر تکاملی سیاست نرخ ارز در جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲، به بررسی معیار انتخاب نظام نرخ ارز در میان مدت می‌پردازد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که اتخاذ یک نظام میانه‌شایسته‌تر است زیرا این نظام به سیاستگذاران اجازه می‌دهد تا در مقابل نوسانات ناشی از شوک‌های عمده قیمتی نفت واکنش نشان دهند. این واکنش بدین صورت خواهد بود که با اعمال تغییرات در نرخ ارز اسمی، زمینه را برای تعدیل نرخ ارز حقیقی فراهم آورند.

مقدمه

۱- از دهه ۱۹۷۰ تا هنگام یکسان‌سازی نرخ ارز در مارس ۲۰۰۲، نظام ارزی در جمهوری اسلامی ایران به شدت کنترل شده بود. ویژگی بارز این دوره، اعمال نرخ‌های چندگانه ارز به علت محدودیت‌های ارزی و همچنین کنترل واردات می‌باشد. در مارس ۲۰۰۲ سیاستگذاران پس از اتخاذ نظام نرخ ارز شناور مدیریت شده، دو نرخ ارز رسمی باقیمانده را یکسان کردند. این مقاله موضوعات مرتبط با انتخاب نظام نرخ ارز در میان مدت را مورد بحث قرار می‌دهد.

۲- در قسمت بعدی، خلاصه‌ای از چشم‌انداز نظام نرخ ارز در دوره زمانی ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲ و تجربه یکسان‌سازی نرخ ارز در سال ۱۹۹۳ ارایه شده است.

در بخش سوم موضوعات کلی معیار انتخاب نظام نرخ ارز به طور خلاصه توصیه شده است. در بخش چهارم چارچوبی برای انتخاب نظام نرخ ارز در ایران در یک تحلیل کوتاه و مختصر ارایه شده است و در پایان نیز نتیجه‌گیری از تحلیل و پیشنهادها ارایه می‌شود.

سیاست نرخ ارز اتخاذ شده از سوی سیاستگذاران ایرانی در دهه گذشته، حاکی از قایل شدن اولویت جدی برای ثبات نرخ‌های ارز اسمی است.

یکسان‌سازی ۱۹۹۳ و نظام نرخ ارز خارجی از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۲^(۱)

۳- قبل از مارس ۱۹۹۳، در نظام بانکی کشور از سه نرخ رسمی (نرخ پایه، نرخ رقابتی و نرخ شناور) استفاده می‌شد و یک بازار موازی هم برای مبادلات ارز خارجی در خارج از نظام بانکی در جریان بود^(۲). نرخ رسمی پایه، برای تبدیل دلارهای دریافتی از صادرات نفت و واردات کالاهای ضروری و بازپرداخت دیون رسمی اعمال می‌شد. نرخ رقابتی نیز برای واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای اعمال می‌گشت. همچنین نرخ شناور که توسط بانک‌ها در جریان نرخ موازی تعیین می‌شد، برای دیگر معاملات

باقیمانده در نظام بانکی اعمال می‌شد. اما در مارس ۱۹۹۳، هر سه نرخ رسمی ارز، در یک نرخ یکسان شدند. ارزش این نرخ واحد نسبت به نرخ‌های پایه و رقابتی رسمی کاهش یافته بود، در حالی که برخی محدودیت‌های ارز خارجی را تقلیل داده بود. نرخ جدید توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به صورت روزانه در کنار نرخ بازار موازی تعیین می‌شد، ولی نرخ یکسان شده به صورت جامع اجرا نشد، چون برای واردات ضروری و بازپرداخت بدهی‌های کوتاه‌مدت قبلی همچنان از نرخ ارز رسمی پایه استفاده می‌شد (جدول شماره یک).

۴- بعد از اکتبر ۱۹۹۳، کاهش غیرمنتظره قیمت نفت و گسترش نقدینگی همراه با اتخاذ سیاست‌های مالی، منجر به کاهش ارزش نرخ رسمی ارز در بازار موازی شد. در دسامبر ۱۹۹۳، سیاستگذاران، نرخ رسمی ثابت و شناور را در ۱۷۵۰ ریال برای هر دلار آمریکا تعیین کردند و متعاقباً، قیمت نرخ ارز بازار موازی نسبت به نرخ رسمی افزایش بیشتری یافت. در ماه مه ۱۹۹۴، سیاستگذاران با هدف تشویق صادرات غیرنفتی، کاهش واردات و بازپرداخت هزینه خدمات، دومین نرخ ارز رسمی را به نام نرخ ارز صادراتی (۲۳۴۵ ریال برای هر دلار آمریکا) معرفی کردند.

۵- معرفی نرخ ارز صادراتی در ماه مه ۱۹۹۴ همراه با افزایش بیشتر نرخ ارز بازار موازی نسبت به

جدول شماره یک

ایران: شاخص‌های اقتصادی منتخب، از ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۵

شرح	۱۹۹۱/۹۲	۱۹۹۲/۹۳	۱۹۹۳/۹۴	۱۹۹۴/۹۵
تراز دولتی (درصدی از GDP)	-۳/۵	-۳/۰	-۷/۰	-۴/۵
قیمت نفت خام (برای هربشکه \$ US)	۱۶/۱	۱۶/۸	۱۵/۳	۱۷/۱
GDP حقیقی در عامل رشد هزینه (درصد)	۱۳/۶	۳/۸	۱/۲	۲/۳
رشد M2 (درصد)	۲۵/۰	۲۴/۷	۳۷/۸	۲۹/۴
رشد M1 (درصد)	۲۲/۶	۱۸/۹	۲۸/۰	۳۷/۳
رشد پایه پولی (درصد)	۱۶/۱	۱۶/۳	۲۶/۲	۲۵/۰
تورم CPI (پایان دوره، درصد)	۲۲/۵	۲۱/۹	۲۶/۴	۳۴/۲
کاهش قیمت در بازار موازی (پایان دوره، درصد)	۰/۸	۱۰/۱	۴۱/۰	۵۵/۶

منابع: IMF, World Economic Outlook Database; Iranian Authorities; and IMF Staff Estimates

نرخ TSE از نیمه دوم سال ۱۹۹۹ به طور چشمگیری دوام و ثبات یافت.

۸- در مارس ۲۰۰۲، کلیه معاملات ارز خارجی که قبلاً در بازار ارز ثابت تهران (TSE) انجام می‌شد، به بازار بین بانکی انتقال یافت و با حذف نرخ رسمی پایه، نرخ ارز در بازار TSE (قبل از یکسان‌سازی) به صورت واحد درآمد.

۹- همراه با یکسان‌سازی نرخ ارز در مارس ۲۰۰۲، سیاستگذاران مبنای سیاستگذاری‌های خود را بر این فرض استوار کردند که تقبل هزینه کلیه تغییرات نرخ ارز به خاطر تأکید بر یکسان‌سازی نرخ ارز مورد نیاز جهت واردات کالاهای معینی می‌باشد (قبلاً به طور ضمنی پیوند بین اینگونه واردات و سوبسیدهای ارز خارجی را در یک مقیاس بزرگ به طور مشخص نشان دادیم). بنابراین، قسمتی از این هزینه‌ها نیز به واردات کالاهای ضروری اختصاص می‌یابد که توسط افزایش درآمدهای نفتی تخصیص یافته در بودجه تامین مالی می‌شود^(۳). در پی برقراری این سوبسیدها، دولت متعهد شد که پیوند بین تغییرات نرخ ارز با اوراق قرضه اعتباری را پوشش دهد. توضیح این که اوراق قرضه اعتباری توسط شرکت‌های دولتی در یک نرخ رسمی به میزان ۳/۲ درصد از GNP برآورد شده است. سپس بودجه سال ۲۰۰۳-۲۰۰۲ پیش‌بینی کرد که

آنها تقریباً از ۱۷ درصد، به کمتر از دو درصد در فوریه ۲۰۰۰ رسید، و واردات به تدریج از نرخ رسمی "صادرات" به سمت نرخ TSE انتقال یافت. در پایان مارس ۲۰۰۰ نرخ صادراتی کنار گذاشته شد و نرخ TSE نقش کلیدی را در بازار ارز پیدا کرد، بدینصورت که این نرخ برای انجام کلیه معاملات رایج، به جز واردات کالاها و خدمات ضروری و بازپرداخت دیون (که در نرخ رسمی ۱۷۵۰ ریال برای هر دلار آمریکا ادامه یافت) مورد استفاده قرار گرفت. بدین ترتیب،

نرخ‌های رسمی، منجر به تورم شد و از طرفی، با اعمال تحریم‌های شدید تجاری آمریکا بر ضد ایران، سیاستگذاران در سال بعد (مه ۱۹۹۵) نرخ ارز حاصل از صادرات غیرنفتی را تا سطح ۱۰۰ درصد افزایش دادند و همچنین نرخ ارز صادراتی به ۳۰۰۰ ریال برای هر دلار آمریکا کاهش یافت. به عبارت دیگر، تورم بالا در ایران نسبت به دیگر طرف‌های تجاریش همراه با افزایش ارزش دلار در برابر دیگر ارزهای مهم، منجر به افزایش نرخ‌های ارز ثابت تقریباً تا ۲۷ درصد ارزش حقیقی‌اش در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۱۹۹۷ شد.

۶- در جولای ۱۹۹۷، سومین مکانیسم نرخ ارز از طریق بازار ارز ثابت تهران (TSE) معرفی شد و مقدار قابل توجهی از منابع ارزی مورد نیاز برای واردات نیز از این بازار تامین شد. اما با وجود کاهش چشمگیر ارزش پول داخلی، نرخ TSE به طور فزاینده‌ای نسبت به نرخ ارز بازار موازی افزایش یافته بود.

۷- دستیابی به یک نظام نرخ ارز خارجی پایدار، نیازمند اصلاحاتی در سیاستگذاری‌ها می‌باشد. از این رو، سیاستگذاران اولین گام را در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۰ برداشتند. در ماه مه ۱۹۹۹ بانک مرکزی به منظور تثبیت نرخ تسعیر سپرده‌های بانکی، مقدار قابل توجهی از ذخایر اضافی بانک‌های تجاری را جذب کرد و نرخ TSE را در برابر نرخ بازار موازی به طور معنی داری کاهش داد تا بازار ارز خارجی ثبات پیدا کند. از ماه مه ۱۹۹۹ نرخ ارز بازار موازی به تدریج نسبت به نرخ TSE کاهش یافت، به نحوی که تفاوت



▲ شایسته‌ترین نظام برای تعیین نرخ ارز کدام است؟

حاشیه شماره یک
انتخاب نظام نرخ ارز

نظام نرخ ارز می‌تواند طیف وسیعی از نرخ‌های ارز ثابت متقابل به شناور با ویژگی‌های مشترک بین شناور مدیریت شده، محدوده نوسان و تثبیت خزنده را دربرگیرد. ویژگی‌های عمده نظام‌های مختلف به طور خلاصه در زیر توضیح داده شده است:

ترتیبات اوراق قرضه ملی (CBA): تحت یک CBA، ارزش پول داخلی در برابر یک پول خارجی یا سبیدی از پول‌ها در سطح مشخصی تثبیت شده است. این سبید با ترتیب مشخصی از تعدیل این سطح ثابت حمایت می‌کند و بخشی از پایه پول داخلی همراه با ذخایر ارز خارجی در نرخ ارز از پیش تعیین شده را پوشش می‌دهد. برای مثال، می‌توان به رابطه پول لیتوانی در برابر دلار آمریکا از آوریل ۱۹۹۴ تا فوریه ۲۰۰۲ توجه کرد.

پشتوانه ذخایر پایه پولی می‌تواند کامل یا جزئی باشد، و این امر به انعطاف‌ناپذیری ترتیبات بستگی دارد، و منوط به این است که دامنه سیاست پولی مستقل به طور کامل یا جزئی حذف شده باشد. تحت یک CBA با پشتوانه کامل ذخایر پایه پولی، نوسانات پایه پولی با موازنه تراز پرداخت‌ها پیوند خورده و می‌تواند فرار بیشتر کشورهای صادرکننده کالاها و خدمات را به دنبال داشته باشد.

تثبیت‌های تعدیل‌پذیر (SOFT): شبیه CBA است. تثبیت‌های ضعیف به طور ضمنی دلالت بر وابستگی سیاست‌های پولی نسبت به ثابت نگهداشتن نرخ ارز دارند. آزادی زیاد در جریان سرمایه، وابستگی مکرر به سیاست‌های پولی را ایجاد می‌کند، به طوری که با تقویت دارایی‌های داخلی، به برگشت پایه پولی مبادرت کرده و این موضوع می‌تواند بی‌فایده‌بودنش را به علت خروج جریان سرمایه اثبات کند (برای مثال، مکزیک در سال ۱۹۹۴). درجات انعطاف‌پذیری مسیر نرخ ارز همراه با وابستگی به سیاست‌های پولی، جانشین‌های متنوعی از تثبیت‌های ضعیف را به صورت زیر ارائه داده‌اند:

تثبیت در برابر یک پول: ارزش پول داخلی در یک سطح مشخصی بر حسب یک پول خارجی تثبیت شده است (برای مثال، پول رایج چین بر حسب دلار آمریکا).

تثبیت در برابر سبیدی از پول‌ها: معمولاً ارزش پول در یک سطح مشخصی بر حسب سبیدی از پول‌های طرف‌های تجاری عمده تثبیت شده است. در این حالت، معمولاً سهم پول‌ها در سبید بر طبق سهم تجاری با طرف‌های مقابل تعیین شده است (برای مثال، پول رایج تایلند بر حسب سبید نامشخصی تا جولای ۱۹۹۷).

تثبیت خزننده: نرخ ارز بر حسب یک پول یا سبیدی از پول‌ها تعدیل شده است. این نرخ در نوبت‌های معین اعلام می‌شود (برای مثال، لیره ترکیه بر حسب سبیدی از دلار آمریکا و یورو از ژانویه ۲۰۰۰ تا مارس ۲۰۰۱). از طرف دیگر، نرخ ارز مورد بحث به شاخص‌های کلیدی مانند تغییرات تورمی طرف‌های عمده تجاری، منطبق با قانون نرخ ارز حقیقی واکتس نشان می‌دهد (برای مثال، دینار تانزانیا در دوره ۱۹۹۲ تا ۲۰۰۰).

محدوده نوسان‌ها: نرخ ارز تنها به یکی از دو دامنه نوسان افقی با حدهای ثابت پایین و بالا اجازه تغییر می‌دهد (برای مثال، کرون دانمارک در برابر یورو از ۱۹۹۹). یا یک دامنه نوسان خزنده که در فواصل معینی با حدهای کاهنده مشخص می‌شود (برای مثال، پول رایج پرتغال در برابر یک سبید پولی از مارس ۱۹۹۵ تا ژانویه ۲۰۰۰ و در برابر یورو تا اواخر سپتامبر ۲۰۰۱).

نظام‌های شناور: تحت یک نظام نرخ ارز شناور مستقل، نرخ ارز آزادانه در بازار ارز خارجی تعیین می‌شود (برای مثال، ین ژاپن). در این حالت، مداخله بانک مرکزی در بازار ارز خارجی منع شده است و بی‌ثباتی غیر ضروری در ارز خارجی بر روند نرخ ارز ترجیح دارد. بازارهای ارز کامل و روان و غیرقانونمند می‌توانند بر نوسانات صحیح این نظام تأثیر مشخصی بگذارند. شایان ذکر است که تحت نظام‌های شناور مدیریت شده، بدون این که مسیر مشخصی برای نرخ ارز در نظر گرفته شود، مداخله صورت می‌گیرد (برای مثال، روبل روسیه از آگوست ۱۹۹۸).

طریق نرخ ارز اندک یا نازل باشند، در این صورت، شوک‌های وارد بر نرخ ارز اسمی را می‌توان به تغییرات در نرخ ارز حقیقی تعبیر کرد. بدیهی است که در نظر گرفتن درجه‌ای از انعطاف‌ناپذیری دستمزد، می‌تواند هزینه‌های مرتبط با انعطاف‌ناپذیری نرخ ارز در تحرک نیروی کار در میان بخش‌ها و مناطق را کاهش دهد. علاوه بر این، زمانی که شوک وارد بر صنعت از اهمیت کمتری برای کل تولید برخوردار است

عرضه پول تحت یک نظام نرخ ارز ثابت به صورتی درونزا برآورد می‌شود. از این رو، تعدیل کردن شوک‌های وارد بر تقاضای پول، تأثیر اندکی بر تولید می‌گذارد.

۱۲- اثربخشی یا کارایی نرخ ارز اسمی در رابطه با شوک‌های حقیقی، به انعطاف‌پذیری بازار نیروی کار بستگی دارد. اگر دستمزدهای حقیقی انعطاف‌پذیر باشند و یا تغییرات قیمت‌ها و دستمزدهای داخلی از

این دیون احتمالی با استفاده از دارایی ثابت نفتی (Oil's Stabilization Fund-OSF)، موجودی‌ها و دارایی‌های مالی، توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران پوشش داده شود. به طور کلی، سیاستگذاران قصد داشتند که این سوبسیدهای مشخص و واضح را که با یکسان‌سازی نرخ ارز در کوتاه‌مدت پیوند خورده است، حذف کنند.

۱۰- رهیافت سیاست نرخ ارز برای دهه گذشته، دلالت بر لزوم ثابت نگهداشتن نرخ‌های ارز اسمی دارد. این امر نکته‌ای است که در ارتباط با افزایش نرخ‌های رسمی ثابت در بیشتر معاملات خارجی، به‌خصوص تا سال ۱۹۹۷ نشان داده شده است. اشکالی که در اثر اعمال این نرخ‌های رسمی ثابت پیش می‌آید، وجود تورم بالا است، زیرا متعاقباً افزایش نرخ‌های رسمی را در پی دارد که آن‌هم از طریق قیمت‌های بالای نرخ‌های ارز رسمی در بازار موازی نشان داده می‌شود. با این که در اواسط سال ۱۹۹۹، هزینه مقدار قابل توجهی از واردات کالاها و خدمات به بازار TSE انتقال یافت، اما نرخ ارز رایج در این بازار همچنان ثابت بود. ضمناً دخالت شدید بانک مرکزی نیز به افزایش عایدات نفتی کمک کرد.

اگر شوک‌های اقتصادی عمدتاً منشأ پولی داشته باشند، استفاده از یک نرخ ارز ثابت ترجیح دارد، زیرا...

معیاری برای انتخاب نظام نرخ ارز

۱۱- انتخاب نظام نرخ ارز ایجاب می‌کند که نرخ ارز در یک محدوده انعطاف‌پذیر با درجات متفاوت نوسان داشته باشد (حاشیه شماره یک). ادبیات تئوریک اخیر، بر تأثیر شوک‌های وارده بر اقتصاد به عنوان عامل مهمی در تعیین نظام نرخ ارز مطلوب و همچنین تثبیت جریان تولید تأکید دارد. (برای مثال Corden و Corsetti, Buiter و Pesenti، ۱۹۹۶، یا Corden ۲۰۰۲). به دنبال تغییرات در قیمت‌های نسبی، اگر اینگونه شوک‌ها عمدتاً خارجی یا حقیقی باشند (مانند شوک‌های تجاری)، انعطاف‌پذیری نرخ ارز موجب فراهم آمدن امکانات لازم برای تعدیل نرخ ارز حقیقی مناسب خواهد شد. از طرف دیگر، اگر شوک‌های اقتصادی عمدتاً منشأ پولی داشته باشند، استفاده از یک نرخ ارز ثابت ترجیح دارد، زیرا در این حالت،

حاشیه شماره دو		
ترتیبات نرخ ارز در اقتصادهای منتخب متکی به نفت، ۲۰۰۲		
کشورها	ترتیبات نرخ ارز	متوسط سهم صادرات نفت و گاز در GDP (۱۹۹۵-۲۰۰۰) (درصد)
الجزایر	شناور مدیریت شده بدون مسیر از پیش تعیین شده برای نرخ ارز	۲۷/۲
کویت	تثبیت شده به سبدهای پولهای نامشخص	۴۳/۰
نیجریه	شناور مدیریت شده بدون مسیر از پیش تعیین شده برای نرخ ارز	۲۰/۷
نروژ	شناور آزاد	۱۴/۳
قطر	تثبیت شده به دلار آمریکا	۳۲/۹
جمهوری ونزوئلا	شناور آزاد	۱۹/۱
عربستان سعودی	تثبیت شده به SDR	۳۱/۴
جماهير عربی لیبی	تثبیت شده به SDR	۲۵/۴
امارات متحده عربی	تثبیت شده به SDR	۲۷/۹
منبع: IFS, IMF		

و اقتصاد هم به خوبی گسترش پیدا می‌کند، هزینه انعطاف‌ناپذیری نرخ ارز کاهش می‌یابد.

۱۳- شواهد تجربی بر اهمیت شوک‌های تجاری و میزان نوسانات تولید در کشورهای در حال توسعه اشاره می‌کند^(۴). توضیح این که بیشتر این کشورها متکی به صادرات کالاها و خدمات اولیه هستند. مطالعات اقتصادسنجی مدل‌های تئوریک از کارایی نظام‌های نرخ ارز در حمایت از شوک‌های تجاری را آرایه داده‌اند. ضمناً در مواجهه با شوک‌های تجاری منفی، نرخ‌های ارز انعطاف‌پذیر همراه با کاهش ارزش‌های حقیقی عمده و زیان‌های جزیی در رشد تولید در مقایسه با نظام‌های نرخ ارز ثابت مطلوب‌ترند (Borda, ۲۰۰۰)^(۵).

۱۴- شرایط تجاری در اقتصادهایی که تا حد زیادی متکی به نفت هستند، منجر به بی‌ثباتی و ناپایداری تولید می‌شود. در این اقتصادها، افزایش قیمت نفت اغلب به خاطر افزایش ناگهانی تقاضای داخلی، افزایش جریان سرمایه و سرمایه‌گذاری و افزایش نرخ ارز حقیقی می‌باشد که برای توسعه بخش‌های تجاری زیان‌آور است، همانطور که به وسیله فرضیه بیماری هلندی پیش‌بینی شده است. اگرچه اتخاذ یک سیاست مالی مناسب می‌تواند پاسخگوی تقاضای داخلی باشد، اما پیروی از این شیوه در اینگونه اقتصادهای بی‌ثبات رد می‌شود و انعطاف‌پذیری نرخ ارز به واسطه تسهیل سرعت تعدیل نرخ ارز حقیقی به دنبال افزایش ناگهانی قیمت کالاها و خدمات نقش مهمی را در این اقتصادها ایفا می‌کند (حاشیه شماره یک).

۱۵- با این که مزیت‌های بالقوه نرخ‌های ارز انعطاف‌پذیر در پایداری جریان تولید واضح و روشن می‌باشد، ولی در عمل در بین اقتصادهای باز کوچک، در نظر گرفتن یک نرخ ارز رسمی پایدار برای صادرات کالاها و خدمات با هدف جلوگیری از زیان حاصل از تغییرات نرخ ارز در قیمت‌های داخلی و تحمیل هزینه‌های بی‌ثباتی نرخ ارز بر دارندگان ارز خارجی مناسب می‌باشد. توضیح این که هزینه‌های بی‌ثباتی نرخ ارز، بدهی یا دیون نامیده می‌شوند (در حاشیه شماره دو لیستی از ترتیبات نرخ ارز متداول در اقتصادهای صادرکننده نفت آورده شده است). چنین ویژگی‌هایی، به خصوص در اقتصادهای در حال توسعه جاری و ساری می‌باشد، زیرا بازارهای مالی در این اقتصادها توسعه نیافته است و از این رو، نسبت به

شناخته شده بود. از این بازار برای معاملات مرتبط با پول خارجی و همچنین برای معاملات خدمات استفاده می‌شود (۳ بازار غیرقانونی).

از ابتدای سال ۲۰۰۰ با توجه به درآمدهای موثر حاصل از صادرات نفت و آزادسازی واردات، بیشتر حساب معاملات رایج به بازارهای رسمی منتقل شده بودند و معاملات بازار موازی عمدتاً برای محدود کردن فعالیت‌های بازار سرمایه مناسب تشخیص داده می‌شدند. این نکته در رابطه با کاهش ارزش نرخ ارز بازار موازی نسبت به نرخ‌های بازار رسمی نشان داده شده است.

(۳ واردات ضروری شامل دارو، وسایل پزشکی، خدمات خاص، کودهای شیمیایی، اقلام دفاعی، هزینه اعزام دانشجو به خارج و تامین کالاهای سرمایه‌ای برای موسسات اقتصادی دولتی می‌باشد).

(۴ برای مثال، به Hausman و Gavin (۱۹۹۶) مراجعه شود.

(۵ مطالعات اقتصادسنجی Levy - Yeyati و Sturzenegger در سال ۲۰۰۲ در مورد کشورهای در حال توسعه ثابت کرد که انعطاف‌پذیری بیشتر نرخ ارز با رشد بالاتر و بی‌ثباتی کمتر تولید پیوند خورده است. به علاوه، Ghosh, Gulde, Wolf در سال ۱۹۹۶ نشان دادند که در شرایطی که شاهد رشد خالص GDP سرانه هستیم و تغییرات GDP تحت نظام‌های شناور در مقایسه با نظام‌های تثبیت شده بیشتر است، رشد GDP و تغییرپذیری GDP تحت نظام‌های میانه کمتر خواهد بود.

استفاده از هر ابزاری برای جلوگیری از زیان حاصل از ریسک نرخ ارز مبادرت می‌ورزند و نرخ‌های ارز تحت نظام‌های شناور در بازارهای ارز خارجی محدود به شدت بی‌ثبات هستند.

۱۶- در نهایت، انتخاب درجه‌ای از انعطاف‌پذیری نرخ ارز بستگی به اهداف سیاستگذاران دارد، همانطور که در مورد تمایل بین کاهش دادن بی‌ثباتی نرخ ارز و کنترل تورم به وسیله لنگر اسمی نرخ ارز و کاهش دادن نوسانات تولید توسط جذب شوک‌های نرخ ارز اسمی توضیح داده شد. بحث انتخاب نظام نرخ ارز مناسب برای ایران نیز در راستای این رویکرد می‌باشد. در بخش بعدی، ابعادی از اقتصاد ایران در ارتباط با انتخاب نظام نرخ ارز، طبیعت نوسانات تولید، تورم و ویژگی‌های بازارهای مالی مجدداً مرور می‌شود.

امامه دارد

یادداشت‌ها

- (۱) این بخش برگرفته از مقاله Sundrarajan, Lazare, Williams (۱۹۹۹) می‌باشد.
- (۲) بازار موازی در ایران، ترکیبی از اتصال چندین بازار فعال و منظم به شرح زیر می‌باشد: (۱) بازار برون مرزی دومی که عمدتاً برای ارسال وجه نیروی کار از خارج به کار می‌آید، (۲) بازار موازی که تا یکسان‌سازی مارس ۲۰۰۲ توسط بانک‌های تجاری داخلی به رسمیت